

## تحلیل حدود مانعیت شیطان در تربیت دینی و راه‌های مقابله با آن از منظر قرآن

Roohollah127@gmail.com

روح الله شهریاری / دانشجوی دکتری مدرس معارف اسلامی دانشگاه معارف اسلامی

پذیرش: ۹۸/۷/۱۹

دریافت: ۹۸/۲/۳۱

### چکیده

عوامل و موانع زیادی در فرایند تربیت دینی دخیل‌اند. یکی از این موانع شیطان است. تبیین حدود مانعیت شیطان در فرایند تربیت دینی ما را در تحقق اهداف تربیتی و کاربست صحیح روش‌های آن یاری می‌رساند. از همین روی این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی، بررسی حدود مانعیت شیطان در تربیت دینی و راه‌های مقابله با آن از منظر قرآن را مدنظر قرار داده است، تا راهنمای عمل مربیان تربیتی باشد. نتیجه این بررسی نشان می‌دهد، شیطان از طرق مختلف مانند: ایجاد ترس، تزیین گناهان، فراموشی یاد خدا و برانگیختن آرزوها، به مداخله تربیتی پرداخته و آثار سوء تربیتی مانند: گمراهی، شرک به خدا، هوسرانی و گناه را در متربی بر جای می‌گذارد. از سوی دیگر، با بررسی آیات بیانگر نقش زیربنایی اراده و اختیار انسان در شکل‌دهی شخصیت دینی، این نکته حاصل شد که عملکرد شیطان مستقل از اراده انسان و عاملی در عرض آن نیست، بلکه حیث تأثیرگذاری آن دو بعد شناختی و عاطفی انسان است. در نتیجه مداخله تربیتی او از طریق ایجاد زمینه‌های تربیتی منفی و از بین بردن زمینه‌های تربیتی مثبت در این دو ساحت وجود انسان است.

کلیدواژه‌ها: تربیت دینی، شیطان، عامل، مانع.

## مقدمه

شناخت واقعیت کلام شیطان در قرآن و چگونگی مفهوم‌سازی‌های آیات مربوط به گفت‌وگوی شیطان پرداخته‌اند. در این بررسی فضاهای ذهنی پیرامون برتری شیطان مانند: درخواست مهلت، تسلط، خیرخواهی و وعده شیطان، حاصل شده و در مقام تحلیل قرار گرفته، و بیان داشته‌اند که فضای ذهنی شیطانی دقیقاً در مقابل فضای ذهنی الهی قرار داشته و پیروان هر دسته به فضای ذهنی مطابق با ظرفیت و افکار خود، گرایش دارند.

چنان که از این پژوهش‌ها استفاده می‌شود، بحث از منظر تربیتی دینی پی گرفته نشده است. به علاوه، نقص اساسی‌تر این پژوهش‌ها، عدم تبیین حدود مانعیت شیطان در تربیت دینی است. تعیین حدود مانعیت شیطان در این فرایند از جمله نقاط کلیدی است که جهت طراحی طرح کلان تربیتی ضرورت دارد (ر.ک: عالم‌زاده نوری، ۱۳۹۶، ص ۲۷). از همین روی در این پژوهش، ابتدا به بررسی شیوه‌های مداخله تربیتی شیطان و آثار سوء تربیتی به‌جای‌گذارنده در متری پرداخته، سپس با تحلیل روان‌شناختی این آیات، فرایند تأثیرگذاری تربیتی شیطان تبیین شده است. در ادامه با بررسی آیات بیانگر نقش اراده و اختیار انسان، به تحلیل نهایی حدود تأثیرگذاری شیطان اشاره شده است. بنابراین در پرتو این بررسی، اهداف زیر مطرح‌نظر است:

- تبیین حدود مانعیت شیطان در تربیت دینی و راه‌های مقابله با آن (هدف اصلی)؛

- تعیین ساحت‌های وجودی تأثیرپذیرنده انسان از شیطان؛

- تعیین حدود تأثیرپذیری هر ساحت؛

- تبیین راه‌های مقابله با مداخله‌های تربیتی شیطان.

## ۱. مفهوم‌شناسی

## الف) تربیت

واژه «تربیت» در زبان فارسی به معنای «پروردن یا پروراندن، آداب و اخلاق را به کسی آموختن و آموختن کودک تا هنگام بالغ شدن» آمده است (دهخدا، ۱۳۷۷، مدخل تربیت؛ معین، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۱۰۶۳). تربیت در زبان عربی مصدر باب «تفعیل» است و برای آن دو ریشه بیان شده است: الف: «ربب» به معنای مالک شیء (جوهری، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۱۵۴)، حضانت و سرپرستی (فراهیدی، ۱۴۰۸ق، ج ۱، ص ۶۴۰)، آقا، مدبر، مربی، سرپرست (زبیدی، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۴۵۹)، نعمت‌دهنده (ابن‌منظور، ۱۴۰۸ق، ج ۷، ص ۱۲۱).

تربیت دینی، فرایندی پیچیده از تدارک شرایط مختلف است، براین اساس عوامل و موانع متعددی در این فرایند مداخله می‌کنند. نیز ممکن است علل مختلف به طور جایگزین در این فرایند مداخله کنند (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۱، ص ۳۷۶). برخی از این امور تحت کنترل نیستند و گونه تأثیرگذاری آنها نیز متفاوت است، به گونه‌ای که برخی نقش تسهیل‌کننده ایفا می‌کنند و برخی به‌عنوان مانع در جریان تربیت دینی شناخته می‌شوند. یکی از این موارد که به‌عنوان مانع تربیت دینی شناخته می‌شود، شیطان است. تعیین حدود مانعیت شیطان در تربیت دینی، از آن جهت اهمیت دارد که می‌تواند به کسب نتیجه مطلوب از فرایند تربیت دینی کمک کند. بدین معنا که راه رسیدن به اهداف تربیتی از جمله هدف نهایی تربیت دینی را هموار می‌سازد. این بدان جهت است که اهداف تربیتی زمانی محقق می‌شوند که به‌خوبی مجموعه عوامل دخیل در آن ارزیابی شده، نقش هر کدام تعیین، و سپس برای کنترل و یا رشد آنها روش‌های تربیتی ارائه شوند. از این رو، لااقل ارائه برخی روش‌های تربیتی فرع تعیین دامنه و حدود تأثیرگذاری شیطان در تربیت است. بدین جهت در این پژوهش مطالعه حدود مانعیت شیطان در تربیت دینی و راه‌های مقابله با آن از منظر قرآن، با روش توصیفی - تحلیلی مدنظر است. پژوهش‌های پرشماری در رابطه با شیطان و شئون مرتبط با آن انجام شده است؛ از جمله:

عبدالحی شکر در پژوهشی با عنوان «وسوسه شیطان و راهکارهای مقابله با آن در قرآن» (۱۳۹۳)، ابتدا به مؤلفه‌های تهدید شیطان در ابعاد نظری و عملی پرداخته و مواردی مانند: هواپرستی، خودداری از سجده در برابر آدم، سعی در بیرون راندن آدم و حوا از بهشت را تبیین کرده است. در ادامه به ابزارها و روش‌های شیطان در وسوسه انسان پرداخته و راه‌های مقابله با آن را از منظر قرآن ارائه کرده است.

زارع و سلیمانیان در پژوهش دیگری به نام «فلسفه وجودی شیطان» (۱۳۹۴)، به پاسخ این پرسش که چرا خداوند چنین موجود شروری که مانعی بر سر راه معنویت و سعادت است را خلق کرده است؟ پرداخته‌اند. در پاسخ به این سؤال نیز از حکمت‌های وجود شیطان را آن برشمرده‌اند که خدای متعال، کمال قدرت خود را با خلق اضداد نشان داده و از این رو، جبرئیل و فرشته‌ها و ابلیس و شیاطین را خلق کرده است، و این از بزرگ‌ترین آیات قدرت و اراده و سلطان خداوند است.

شیرافکن و قائمی‌نیا در پژوهش دیگری با عنوان «تحلیل فضاهای ذهنی گفتمان شیطان در قرآن» (۱۳۹۵)، به تبیین و

گزینش و طرد برخوردار باشد»، می‌داند. نهایتاً در تعریفی دیگری بهشتی (۱۳۸۹) تربیت دینی را «هرگونه اقدام هدایت‌گرایانه‌ای که به‌منظور ایجاد، ابقا و اکمال عقاید، اخلاق و اعمال دینی بر مبنای قرآن، سنت و عقل به‌سوی هدف غایی قرب مطلق الهی انجام می‌شود» دانسته است. در این پژوهش مراد از تربیت دینی، دیدگاه اخیر است که دربرگیرنده تمام ساحات تربیت از جمله تربیت اعتقادی، اخلاقی و... است.

### ج) شیطان

شیطان از ماده شطن به معنی «بعد یا دوری از خیر» و یا «رسمان طولیل و مضطرب» آمده است (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۶ ص ۲۷۱). برخی نیز شیطان را به مطلق موجود سرکش و طاغی، اعم از انسان، جن و حیوان دانسته‌اند (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۱۹۱-۱۹۳؛ جوادی آملی، ۱۳۸۶، ج ۸، ص ۴۷۹). واژه شیطان در قرآن به جن انصراف دارد و کاربرد آن در مورد انسان یا حیوان با قرینه است. مراد از شیطان در قرآن گاه خصوص ابلیس است که موجب لغزش حضرت آدم و حوا و خروج آنها از بهشت شد و گاهی معنای عام و فراگیر مراد است (همان، ج ۸، ص ۴۸۰). در اینجا مراد از شیطان، معنای خاص آن یعنی ابلیس، مدنظر است. مخلوقی از جنس جن که در جریان خلقت حضرت آدم از دستور خداوند متعال تمرّد کرد (بقره: ۳۴؛ اعراف: ۱۱؛ اسراء: ۶۱؛ کهف: ۵۰؛ طه: ۱۶) و از درگاه خداوند رانده شد (ص: ۷۷) و بدین ترتیب راه اغواگری انسان را پیش گرفت (ص: ۸۲).

### د) عامل و مانع

منظور از عامل و مانع در تربیت امور وجودی است که نقش مثبت یا منفی در تربیت ایجاد می‌کنند. مراد از عوامل، اموری است که تأثیر مثبت دارند و موانع به اموری اطلاق می‌شود که تأثیرشان منفی است (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۱، ص ۳۷۸). در همین معنا منظور از تأثیر اعم از علیت حقیقی و اعدادی است.

### ۲. شیوه‌های مداخله تربیتی شیطان

روش‌های مداخله تربیتی شیطان متنوع است و گاهی مستقیم و گاهی غیرمستقیم است. گاهی اهداف میانی تربیت و گاهی اهداف اصیل را نشان می‌رود. در ساحات مختلف اجتماعی و فردی تربیت هم این مداخله قابل پی‌گیری است. این شیوه‌ها به گونه‌ای است که به‌منزله صغرای یک قیاس منطقی بیانگر ایجاد مانع در تربیت دینی انسان است. مطابق آیات قرآن این روش‌ها از قرار زیر است:

مصلح و پدیدآوردن یک چیز به تدریج و مرحله به مرحله، تا اینکه به مرحله کمال و پایانی خود برسد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۶ق، ص ۳۳۶). ب: «ربو» به معنای زیاد شدن (مصطفوی، ۱۴۱۶ق، ج ۴، ص ۳۳) و رشد کردن است. این واژه به معنای تغذیه کردن (انیس و همکاران، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۳۲۶)، بالا رفتن و قد کشیدن، تهذیب کردن و پرشدگی درونی (مصطفوی، ۱۴۱۶ق، ج ۴، ص ۳۳) نیز آمده است. تربیت در اصطلاح و در کاربرد عام عبارت است از «فرایند انتقال و تعمیق دانش‌ها و بینش‌ها، هدایت و تقویت گرایش‌ها، و شکوفاسازی هماهنگ استعدادها و توانایی‌های انسان در ابعاد روحی و بدنی برای رسیدن به کمال مطلوب» (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۱، ص ۳۰). یکی از نویسندگان نیز تربیت را این‌گونه تعریف کرده است: «فعالیتی هدفمند و دوسویه میان مربی و متربی به منظور کمک به متربی در راستای تحقق بخشیدن به قابلیت‌های وی و پرورش شخصیت او در جنبه‌های گوناگون فردی، اجتماعی، جسمی، عاطفی، اخلاقی و عقلانی و...» (بهشتی، ۱۳۸۷، ص ۳۵).

### ب) تربیت دینی

«تربیت دینی» فرایندی است که از طریق اعطای بینش، التزام قلبی و عملی به فرد، هماهنگ با فطرت و به دور از جبر و فشار، برای نیل به سعادت دنیوی و اخروی انجام می‌گیرد (احسانی، ۱۳۷۸، ص ۲۶). در یک تعریف دیگر از تربیت دینی گفته شده است: «تربیت دینی مجموعه اعمال عمدی و هدفدار به منظور آموزش گزاره‌های معتبر یک دین به افراد دیگر است، به نحوی که آن افراد در عمل به آن آموزش‌ها متعهد و پایبند گردند» (داوودی، ۱۳۸۶، ص ۲۶). ماهرورزاده (۱۳۹۲) هم اعتقاد دارد که تربیت دینی فرایندی است که ضمن آن تلاش می‌شود تا با بهره‌گیری از آموزه‌های دینی، زمینه‌ای فراهم شود که متربی در جهت رشد و شکوفایی استعدادهای فطری و دینی گام بردارد. صادق‌زاده قمصری (۱۳۸۰) نیز بر آن است که تربیت دینی هرگونه فعالیت هدفمندی می‌باشد که در نظام آموزش و پرورش کشور به‌منظور تقویت ایجاد شناخت و باور به معارف دینی، گرایش به ارزش‌ها و هنجارهای دینی و التزام عملی به احکام و دستورات دینی طراحی شده است. همچنین باقری (۱۳۸۹) در تعریفی، تربیت دینی را «فراهم کردن زمینه‌ها تا عناصر اصلی تدین (اعتقادی - فکری، تجربه درونی، التزام درونی و عمل) در بستر ارتباط مربی و متربی با تأمین مؤلفه‌های تربیت شکل بگیرد، به صورتی که این فرایند از مؤلفه‌های اساسی عقلانیت در اعتقادات، اخلاق و عبادات و احکام دینی، تقوای حضور، ارزیابی همراه با

## ۲-۱. بازداشتن از عبادت و ذکر خدا

عبادت و ذکر خدا عامل آرامش و زدودن آشفتگی از روح و روان انسان است: «الَّذِينَ آمَنُوا وَتَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ» (عد: ۲۸)؛ همان کسانی که ایمان آورده‌اند و دل‌هایشان به یاد خدا آرام می‌گیرد. آگاه باش که با یاد خدا دل‌ها آرامش می‌یابد. یکی از کارهای شیطان در جهت ایجاد مانع برای رشد انسان، فراموشاندن ذکر و نام خداوند است: «إِنَّمَا يَرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُضِلَّكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَعَنِ الصَّلَاةِ» (مائده: ۱۹)؛ شیطان می‌خواهد به وسیله شراب و قمار، در میان شما عداوت و کینه ایجاد کند، و شما را از یاد خدا و از نماز بازدارد. تأثیر تربیتی این روش از آن جهت است که اگر آدمی اهل ذکر نباشد، دچار غفلت می‌شود و در غیاب توجه به خداوند مورد تهاجم و وسوسه‌ها قرار می‌گیرد، در نتیجه رفتارهای خلاف رضایت خدا از او سر می‌زند. «اگر انسان همواره به یاد خدا باشد و خود را در پیشگاه حضرت حق حاضر بیند، از غفلت و رفتاری که خلاف رضای اوست دوری می‌گزیند و نفسش از سرکشی بازمی‌ایستد» (مصباح، ۱۳۹۱ الف، ص ۷۰).

## ۲-۲. ایجاد دشمنی بین مؤمنان

یکی از شیوه‌های اثرگذاری تربیتی شیطان، ایجاد دشمنی بین افراد است: «إِنَّمَا يَرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمْ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ» (مائده: ۱۹)؛ شیطان می‌خواهد در میان شما عدوت و کینه ایجاد کند گرچه این آیه در مورد شراب و قماربازی است، اما آن دو، خصوصیت ندارند و در واقع دو مصداق از مصادیقی هستند که شیطان جهت ایجاد عدوت بین مؤمنان از آنها استفاده می‌کند. طبیعی است که ایجاد دشمنی مانع محبت‌ورزی مؤمنان به یکدیگر شده و مانعی در جهت کمال آنها محسوب می‌شود. چنان‌که امام باقر<sup>ع</sup> در اهمیت و نقش تربیتی محبت‌ورزی مؤمنان می‌فرماید: «در روز قیامت گروهی درحالی که نور از صورتشان می‌تابد، بی حساب وارد بهشت می‌شوند. مردم سؤال می‌کنند: اینها چه افرادی هستند که این گونه بی حساب وارد بهشت می‌شوند؟ جواب داده می‌شود: اینها کسانی هستند که به خاطر خدا همدیگر را دوست داشتند؛ «هؤلاء المتحابون فی الله» (مجلسی، ۱۴۰۴ ق، ج ۷، ص ۱۹۵).

## ۲-۴. برانگیختن آرزوها

یکی دیگر از شیوه‌های ابلیس جهت ایجاد مانع در تربیت صحیح انسان‌ها، برانگیختن آرزوها و سرگرم کردن به آرزوهای طولانی دنیایی است: «وَلَا ضَلِيلَنَّهُمْ وَ لَا مُنِيئَنَّهُمْ» (نساء: ۱۱۹)؛ و آنها را گمراه می‌کنم و به آرزوها سرگرم می‌سازم. خو گرفتن به آرزوهای دنیایی سبب می‌شود انسان به محاسبه و حسابرسی نفس خود نپردازد؛ مسئله‌ای که نقش مهمی در حیات دینی انسان دارد و مورد تأکید معصومان<sup>ع</sup> بوده است. امام صادق<sup>ع</sup> می‌فرماید: «حَاسِبُوا أَنْفُسَكُمْ قَبْلَ أَنْ تُحَاسَبُوا» (مجلسی، ۱۴۰۴ ق، ج ۷۰، ص ۷۳)؛ قبل از اینکه به حساب اعمالتان رسیدگی شود، به محاسبه نفس خود همت گمارید. این عمل انسان را از اشتغال به واجبات زندگی بازمی‌دارد و سبب می‌شود آنچه برای فرد مهم و حیاتی است، به خاطر آنچه موهوم و خالی از واقعیت است، رها کند (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۵، ص ۱۳۷)؛ در نتیجه انسان را از هدف غایی خلقت بازمی‌دارد. برخی نیز در تفسیر این آیه گفته‌اند برانگیختن آرزوها یعنی در دل آنها می‌اندازد که گمان کنند در عالم دیگر از فضل و رحمت خدا بهره‌ای فراوان به آنها می‌رسد (عاملی، ۱۳۶۰، ج ۳، ص ۱۰۹).

## ۲-۵. تسهیل گناه

روش دیگر، آسان‌سازی گناه از طریق جلوه دادن و زیباسازی آن است: «الشَّيْطَانُ سَوَّلَ لَهُمْ وَ أَمَلَى لَهُمْ» (محمد: ۲۵)؛ شیطان اعمال زشتشان را در نظرشان زینت داده و آنان را با آرزوهای طولانی فریفته است.

## ۲-۳. زینت دادن اعمال زشت

آراستن زشتی‌ها و اعمال باطل و قبیح در دیدگان افراد، شیوه دیگر ابلیس است. در چند جای قرآن کریم به این نوع اغواگری شیطان اشاره شده است. از جمله: سوره «حجر» آیه ۳۹: «قَالَ رَبِّ بِمَا عَوَيْتَنِي

## ۲-۸. تفرقه و دودستگی

شکستن وحدت مسلمانان سبب ایجاد تشتت در افکار و باورهای آنها می‌شود و مردم را علیه هم می‌شوراند و بدبین می‌کند و موجب تضعیف اخلاق دینی‌شان می‌شود؛ چراکه عاملی جهت کینه‌ورزی و بغض و عداوت می‌شود. به همین جهت قرآن یکی دیگر از مصادیق مداخله تربیتی شیطان را ایجاد تفرقه و اختلاف میان مردم دانسته و می‌فرماید: «إِنَّ الشَّيْطَانَ يَنْزِعُ بَيْنَهُمْ، إِنَّ الشَّيْطَانَ كَانَ لِلْإِنْسَانِ عَدُوًّا مُّبِينًا» (اسراء ۵۳)؛ میان آنها فتنه و فساد می‌کند؛ همیشه شیطان دشمن آشکاری برای انسان بوده است. امیرمؤمنان علیؑ بالاترین عامل شکست و ذلت را تفرقه و اختلاف دانسته و با کمال صراحت، فتنه‌انگیز و تفرقه‌افکن را مستوجب قتل می‌داند و می‌فرماید: «به جمعیت عظیم مسلمانان بیبوندید، که دست [قدرت و عنایت] خدا با جماعت است؛ زیرا آنکه از جمع مسلمانان به یک سو شود، بهره شیطان است، چنان‌که گوسفند که از گله درماند، نصیب گرگ بیابان است. آگاه باشید هر کس که مردم را به این شعار [تفرقه و جدایی] دعوت کند، او را بکشید، هر چند که زیر عمامه من باشد» (نهج‌البلاغه، ۱۴۱۴ق، خطبه ۱۲۸).

## ۲-۹. ترویج فحشا

شیطان از طریق ترویج فحشا و منکرات سبب تجاوز از حدود الهی می‌شود و بدین وسیله انسان‌ها را از مدار پذیرش ولایت الهی خارج می‌کند: «وَمَنْ يَتَّبِعْ خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ فَإِنَّهُ يَأْمُرُ بِالْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ» (نور: ۲۱)؛ هر کس پیرو شیطان شود (گمراهش می‌سازد؛ زیرا) او به فحشا و منکر فرمان می‌دهد. در آیه ۹۰ سوره «مائده» نیز می‌فرماید: «إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالأَزْلامُ رِجْسٌ مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ»؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، شراب و قمار و بت‌ها و ازلام [نوعی بخت‌آزمایی] پلید و از عمل شیطان است، از آنها دوری کنید تا رستگار شوید. این چهار منکر به شیطان نسبت داده شده، به همین جهت در «فَاجْتَنِبُوهُ» ضمیر به «عمل شیطان» بازمی‌گردد؛ یعنی از عمل شیطان اجتناب کنید تا رستگار شوید (طبرسی، ۱۳۶۰، ج ۷، ص ۱۶۶).

## ۲-۱۰. ایجاد حزن و افسردگی

ایجاد حزن و پریشان‌خاطری در دل‌ها، از کارهای شیطان برای ایجاد انحراف در مؤمنان است تا این دلنگی آنها را از خدا دور کند و موجب ترس و اضطراب از بلاها و حوادث دیگر شود: «إِنَّمَا النَّجْوَى

تسویل مصدر «سول» به معنای جلوه دادن چیزی است که نفس آدمی حریص بر آن است؛ به طوری که زشتی‌هایش در نظرش زیبا شود، و مراد از «املاء» نیز امداد و یا طولانی کردن آرزو است (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۱۸، ص ۳۶۳). برخی نیز گفته‌اند مراد زینت دادن گناهان آنهاست، به گونه‌ای که گناه را حسنه می‌پندارند (فضل‌الله، ۱۴۱۹ق، ج ۲۱، ص ۷۵).

## ۲-۶. برانگیختن حسد، ایجاد نزاع

حضرت یوسفؑ بر هم خوردن ارتباط میان خود و برادرانش را به شیطان نسبت می‌دهد: «أَنْ نَزَعَ الشَّيْطَانُ بَيْنِي وَبَيْنَ إِخْوَتِي» (یوسف: ۱۰۰). طبرسی به نقل از ابن عباس می‌گوید: شیوه شیطان برای ایجاد این اختلاف برانگیختن حسد بود (طبرسی، ۱۳۶۰، ج ۱۲، ص ۳۰۱). حضرت موسیؑ نیز درگیری با یکی از دشمنانش را که منجر به قتل او شد، محصول تلاش شیطان می‌داند: «قَالَ هَذَا مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ عَدُوُّ مُضِلٌ مُبِينٌ» (قصص: ۱۵). به بیان علامه طباطبائی، «این کتک‌کاری که در میان آن دو اتفاق افتاده بود، از جنس عملی است که به شیطان نسبت داده می‌شود، و یا از عمل شیطان ناشی می‌گردد؛ چون شیطان است که در میان آن دو عداوت و دشمنی افکنده و به کتک‌کاری یکدیگر وادارشان کرده است، و کار بدانجا منجر شد که موسیؑ مداخله کرد و مرد قبطی به دست او کشته شد، و موسیؑ دچار خطر و گرفتاری سختی گردید» (طباطبائی، ۱۳۸۹، ج ۱۶، ص ۲۳).

## ۲-۷. ترساندن از فقر

انفاق نه تنها از جهت برطرف کردن فقر و پرکردن خلأهای اجتماعی حائز اهمیت است، بلکه در تربیت انسان نیز نقش‌آفرین است. روح انسان در سایه گذشت، ایثار و انفاق رشد کرده به تکامل می‌رسد. در یکی از آیات قرآن خداوند متعال به نقش انفاق در تربیت و انسان‌سازی اشاره کرده، خطاب به پیامبر اکرمؐ می‌فرماید: «خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا» (توبه: ۱۰۳)؛ از اموال آنها صدقه ای بگیر، تا به وسیله آن، آنها را پاک‌سازی و پرورش دهی. در این آیه به همان فلسفه تربیتی انفاق اشاره شده و بیان می‌دارد که انفاق و صدقه موجبات تطهیر و تزکیه انسان را فراهم می‌سازد. از همین جهت است که یکی از دسیسه‌های شیطان ترساندن از فقر است، تا مانع انفاق شود و از این جهت مانعی در کمال فرد ایجاد کند: «الشَّيْطَانُ يُدْكِمُ الْفَقْرَ» (بقره: ۲۶۸)؛ شیطان، شما را (به هنگام انفاق) وعده فقر و تهیدستی می‌دهد.

مِنَ الشَّيْطَانِ لِيُخْزِنَ الَّذِينَ آمَنُوا» (مجادله: ۱۰)؛ نجوا تنها از سوی شیطان است؛ می‌خواهد با آن مؤمنان غمگین شوند. در این آیه ابزار شیطان برای ایجاد چنین کاری نجوا نامیده شده است. چنان‌که مفسران گفته‌اند: «مراد از نجوا، نجوایی است که آن روز در بین منافقین و بیماردلان جریان داشته است؛ نجوایی که از ناحیه شیطان بوده، به این معنا که شیطان این عمل را در دل‌هایشان جلوه داده بود و تشویقشان کرده بود که با یکدیگر نجوا کنند تا مسلمانان را اندوهگین و پریشان‌خاطر کنند؛ تا خیال کنند می‌خواهد بلایی بر سرشان بیاید» (طباطبائی، ۱۳۸۹، ج ۱۹، ص ۳۲۶). خدای سبحان بعد از آنکه نجوا را با آن شرایط برای مؤمنان تجویز کرد، مؤمنان را دلگرم و خاطر جمع کرد که این توطئه‌ها نمی‌تواند به شما گزند برساند، مگر به اذن خدا، چون زمام امور همه به‌دست خداست، پس بر خدا توکل کنید، و از ضرر نجوای منافقین اندوهگین نشوید.

### ۲-۱۱. دعوت به کفر

شیطان همواره انسان را به دوری از خدا و کفر فرامی‌خواند و آن‌گاه که به مقصود خود رسید از کفر کافر بیزاری می‌جوید: «كَمَلِ الشَّيْطَانُ إِذْ قَالَ لِلْإِنْسَانِ اكْفُرْ فَلَمَّا كَفَرَ قَالَ إِنِّي بَرِيءٌ مِنْكَ» (حشر: ۱۶)؛ کار آنها همچون شیطان است که به انسان گفت: کافر شو (تا مشکلات تو را حل کنم)، اما هنگامی که کافر شد گفت: من از تو بیزارم؛ من از خداوندی که پروردگار عالمیان است بیم دارم. کسی که کافر شد، ولایت ابلیس را پذیرفته است: «إِنَّا جَعَلْنَا الشَّيَاطِينَ أَوْلِيَاءَ لِلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ» (اعراف: ۲۷). و از ولایت خدا خارج شده است و در نتیجه به خسران ابدی دچار خواهد شد.

### ۳. پیامدهای سوء تربیتی مداخله شیطان

در برخی آیات قرآن از آثار تربیتی مداخله شیطان سخن به میان آمده و آثار و نتایج این مداخله بیان شده است. این آیات به نوعی گویای حدود تأثیرگذاری تربیتی شیطان است. از جمله این آثار مطابق آیات قرآن موارد ذیل است:

#### ۳-۱. فراموشی خدا

فراموشی دو جنبه حسن و قبح دارد؛ گاهی فراموشی مصائب و ناگواری‌ها و تلخی‌های زندگی روزمره سبب گوارا شدن زندگی می‌شود و از این جهت دارای حسن است، اما گاهی این فراموشی

از آنجاکه سبب دور شدن انسان از سعادت حقیقی می‌شود، مذموم است. مانند فراموشی یاد و نام خدا: «اسْتَحْوَذَ عَلَيْهِمُ الشَّيْطَانُ فَأَنسَاهُمْ ذِكْرَ اللَّهِ أُولَئِكَ حِزْبُ الشَّيْطَانِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ الشَّيْطَانِ هُمُ الْخَاسِرُونَ» (مجادله: ۱۹)؛ شیطان بر آنان مسلط شده و یاد خدا را از خاطر آنها برده؛ آنان حزب شیطانند. بدانید حزب شیطان زیانکارانند. «مَا أَنَسَانِيَهُ إِلَّا الشَّيْطَانُ» (کهف: ۶۳)؛ فقط شیطان بود که آن را از خاطر من برد. همه اقسام فراموشی لازمه طبیعت انسانی نیست، بلکه گاهی شیطان عامل فراموشی است (جوادی آملی، ۱۳۸۷، ج ۳، ص ۳۹۶). فراموشی یاد خدا انسان را به ارتکاب انواع کارهای ناروا می‌کشاند و از انجام کارهای مفید برای سعادت ابدی‌اش باز می‌دارد. «فراموشی خدا ملازم با فراموشی و گم‌کردن خود است. انسان چیزی نیست جز فعل خدا. انسان چیزی نیست جز تعلق به خدا. انسان چیزی نیست جز ارتباط با مبدأ افاضه‌کننده وجودش. اگر خدا را نشناسد، طبیعتاً فعل خدا، تعلق به خدا و ربط وجودی به خدا برایش معلوم و مفهوم نخواهد بود» (مصباح، ۱۳۹۰، ص ۹۰).

#### ۳-۲. گمراهی

یکی دیگر از آثار مداخله تربیتی شیطان گمراهی انسان است: «يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُضِلَّهُمْ ضَلَالًا بَعِيدًا» (نساء: ۶۰)؛ شیطان می‌خواهد آنان را گمراه کند و به بیراهه‌های دور دستی بيفکند. «وَأُتِلُّ عَلَيْهِمْ نَبَأَ الَّذِي آتَيْنَاهُ آيَاتِنَا فَاتَّبَعَ فَأَتَّبَعَهُ الشَّيْطَانُ فَكَانَ مِنَ الْغَاوِينَ» (اعراف: ۱۷۵)؛ و بر آنها بخوان سرگذشت آن کس را که آیات خود را به او دادیم؛ ولی (سرانجام) خود را از آن تهی ساخت و شیطان در پی او افتاد، و از گمراهان شد. چنان‌که مفسران بیان داشته‌اند این داستان از وقایعی است که اتفاق افتاده است؛ نه اینکه صرف مثال باشد (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۸، ص ۴۳۴). گرچه در بیان اسم این فرد بین مفسران اختلاف وجود دارد، ولی آنچه از این آیه استفاده می‌شود آن است که ضلالت و گمراهی نتیجه اغواگری شیطان است.

#### ۳-۳. هبوط از بهشت سعادت

برخی آیات قرآن، ثمره اغواگری شیطان را هبوط از مقام معنوی و بهشت سعادت می‌داند: «فَدَا هُمَا بِغُرُورٍ» (اعراف: ۲۲)؛ و به این ترتیب، آنها را با فریب (از مقامشان) فرود آورد. در آیه ۲۷ نیز می‌فرماید: «يَا بَنِي آدَمَ لَا يَفْتِنَنَّكُمُ الشَّيْطَانُ كَمَا أَخْرَجَ أَبَوَيْكُم مِّنَ الْجَنَّةِ يَنزِعُ عَنْهُمَا لِبَاسَهُمَا لِيُرِيَهُمَا سَوْآتِهِمَا إِنَّهُ يَرَاكُمْ هُوَ وَقَبِيلُهُ مِّنْ

وَرَوْحَكِ الْجَنَّةِ وَكُلًّا مِنْهَا رَغَدًا حَيْثُ شِئْتُمْ وَلَا تَقْرَبُوا هَذِهِ الشَّجَرَةَ فَتَكُونُوا مِنَ الظَّالِمِينَ» (بقره: ۳۵)؛ و گفتیم: ای آدم! تو با همسرت در بهشت سکونت کن و از (نعمت‌های) آن، از هر جا می‌خواهید، گوارا بخورید، (اما) نزدیک این درخت نشوید که از ستمگران خواهید شد. این آیه بیانگر قدرت اختیار و اراده حضرت آدم و حوا در رفتن به سمت نافرمانی از دستور خدا و یا تبعیت از دستور خداست که آنها تا مدتی نیز از دستور خدا تبعیت می‌کردند و از شجره منهبه تناول نمی‌کردند، اما شیطان مداخله کرده و در نهایت آنها را وادار می‌کند از آن درخت تناول کنند و همین مسئله باعث می‌گردد از بهشت موجود رانده شوند. در برخی آیات قرآن به شیوه دخالت شیطان برای سوق دادن آدم و حوا در این نافرمانی اشاره شده است: «مَا نَهَاكُمَا رَبُّكُمَا عَنْ هَذِهِ الشَّجَرَةِ إِلَّا أَنْ تَكُونَا مَلَائِكَةً أَوْ تَكُونَا مِنَ الْخَالِدِينَ» (اعراف: ۲۰)؛ و گفت: پروردگارتان شما را از این درخت نهی نکرده، مگر به‌خاطر اینکه (اگر از آن بخورید)، فرشته خواهید شد، یا جاودانه (در بهشت) خواهید ماند! در این آیه شیوه تسلط شیطان بر آدم دخالت در شناخت‌های آن دو بیان شده است. شیطان به آدم شناخت انحرافی از علت منع از شجره می‌دهد و می‌گوید شما اگر از این درخت بخورید، فرشته خواهید شد، یا زندگی جاودانه پیدا خواهید کرد و آدم تحت تأثیر همین شناخت، دست به نافرمانی از خدا می‌زند. در آیه ۱۲۰ سوره مبارکه «طه» نیز به این مطلب اشاره شده است: «قَالَ يَا آدَمُ هَلْ أَدُلُّكَ عَلَى شَجَرَةِ الْخُلْدِ وَمُلْكٍ لَّا يَبُلَى»؛ گفت: ای آدم! آیا می‌خواهی تو را به درخت زندگی جاوید، و ملکی بی‌زوال راهنمایی کنم؟! در آیه دیگری خداوند متعال علت فریب‌خوردگی و گمراهی آدم و حوا توسط شیطان را این‌گونه بیان می‌کند: «اسْتَحْوَذَ عَلَيْهِمُ الشَّيْطَانُ فَأَنسَاهُمْ ذِكْرَ اللَّهِ أُولَئِكَ حِزْبُ الشَّيْطَانِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ الشَّيْطَانِ هُمُ الْخَاسِرُونَ» (مجادله: ۱۹)؛ شیطان بر آنان مسلط شده و یاد خدا را از خاطر آنها برده، آنان حزب شیطانند! بدانید حزب شیطان زینکارانند! در این آیه علت فریب خوردن را مداخله در ادراکات آنها دانسته، که باعث شد یاد خدا را فراموش کنند. به همین جهت خداوند متعال از این شیوه ایجاد انحراف توسط شیطان، پیامبر اکرم ﷺ را برحذر داشته است: «وَأَمَّا يُنْسِيَنَّكَ الشَّيْطَانُ فَلَا تَتَّبِعْهُ بَعْدَ الذِّكْرِ مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ» (انعام: ۶۸)؛ و اگر شیطان از یاد تو ببرد، هرگز پس از یاد آمدن با این جمعیت ستمگر منشین. شیطان برای پیشبرد کار خود، نفوذ را از راه مداخله شناختی شروع کرد و حتی برای آنکه به آنچه می‌گوید گوش دهند، مداخله شناختی مقدماتی ایجاد کرد؛ یعنی سوگند خورد که خیرخواه شما هستیم: «وَقَاسَمَهُمَا إِنِّي لَكُمَا لَمِنَ النَّاصِحِينَ» (اعراف: ۲۱).

حَيْثُ لَا تَرَوْنَهُمْ إِنَّا جَعَلْنَا الشَّيَاطِينَ أَوْلِيَاءَ لِلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ»؛ ای فرزندان آدم! شیطان شما را نفریبد، آن‌گونه که پدر و مادر شما را از بهشت بیرون کرد و لباسشان را از نشان بیرون ساخت، تا عورتشان را به آنها نشان دهد! چه اینکه او و همکارانش شما را می‌بینند، از جایی که شما آنها را نمی‌بینید؛ (اما بدانید) ما شیاطین را اولیای کسانی قرار دادیم که ایمان نمی‌آورند. علامه طباطبائی در بیان این دو آیه معتقد است: مراد از «کندن لباس برای نمایاندن عورت‌هایشان» تمثیلی است که کندن لباس تقوا را از تن همه آدمیان به سبب فریفتن ایشان نشان می‌دهد و هر انسانی تا فریب شیطان را نخورده باشد در بهشت سعادت است؛ و همین که فریفته او شد خداوند او را از آن بیرون می‌کند (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۸، ص ۸۷). بنابراین معنای آیه را چنین تبیین می‌کند: «ای بنی‌آدم! بدانید که برای شما معایبی است که جز لباس تقوا چیزی آن را نمی‌پوشاند، و لباس تقوا همان لباسی است که ما از راه فطرت به شما پوشانده‌ایم؛ پس زنهار که شیطان فریبتان دهد و این جامه خدادادی را از تن شما بیرون کند؛ همان‌طوری که در بهشت از تن پدر و مادران بیرون کرد. آری، ما شیطان‌ها را اولیای کسانی قرار دادیم که به آیات ما ایمان نیاورده، با پای خود دنبال آنها به راه بیفتند» (همان).

#### ۴. تحلیل حدود مانعیت شیطان

آنچه از بررسی این آیات پیش‌گفته به دست می‌آید، بیانگر تأثیر عمیق و حتمی شیطان در ایجاد مانع جهت تربیت و رشد انسان است. با وجود این، برای رسیدن به نتیجه دقیق و پاسخ به سؤال اصلی پژوهش که حدود مانعیت شیطان در تربیت دینی انسان است، باید آیات دیگری از قرآن، که بیانگر اراده و اختیار انسان هستند، مورد بررسی قرار گیرند. به‌علاوه فرایند مداخله و تأثیرگذاری شیطان در انسان روشن شود. در اینجا به بررسی این دو مورد می‌پردازیم:

##### ۴-۱. فرایند تأثیرگذاری شیطان در انسان

از تحلیل آیات پیش‌گفته می‌توان به فرایند تأثیرگذاری شیطان در تربیت انسان دست یافت. این آیات نشان می‌دهد شیطان از طریق ابعاد اصیل وجود انسان به مداخله تربیتی می‌پردازد.

#### الف. مداخله در شناخت‌ها

خداوند متعال خطاب به آدم و حوا فرمود: «وَقُلْنَا يَا آدَمُ اسْكُنْ أَنْتَ

## ب. مداخله در امیال و عواطف

شبهه دیگر عملکرد شیطان در ایجاد موانع تربیتی، ورود از راه تحریک و تهییج امیال و غرایز است. برخی آیات قرآن به این مسئله اشاره دارند: «فَزَيْنَ لَهُمُ الشَّيْطَانَ» (نحل: ۶۳)؛ شیطان در نظرشان آراست. و با اندک اختلافی در آیات: انعام ۴۳؛ انفال ۴۸؛ نمل ۲۴؛ عنکبوت ۳۸.

زینت دادن عمل آدمی از سوی شیطان به این معناست که وی به وسیله تهییج عواطف درونی مربوط به آن عمل، در دل آدمی چنین القاء می‌کند که عمل او بسیار عمل خوبی است؛ در نتیجه انسان از عمل خود لذت می‌برد و قلباً آن را دوست می‌دارد، و آن قدر قلب متوجه آن می‌شود که دیگر فرصتی برایش نمی‌ماند تا در عواقب وخیم و آثار سوء و شوم آن تعقل کند (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۹، ص ۱۲۸). آیه ۱۲۰ سوره مبارکه «طه» نیز که در قسمت قبل بیان شد، یک جهتش تحریک امیال حضرت آدم و حوا بوده است: «ای آدم! آیا می‌خواهی تو را به درخت زندگی جاوید، و ملکی بی‌زوال راهنمایی کنم؟». در این آیه شیطان دست روی میلی اصیل در نهاد انسان می‌گذارد، یعنی میل به بقا و جاودانگی و با تحریک و تهییج این میل آنها را وادار به رفتارهای خلاف دستور خدا می‌کند.

در نتیجه، شیطان با استفاده از دو راه بعد شناختی و عاطفی انسان، وارد می‌شود. بنابراین، فرایند ایجاد مانع در مسیر تربیت دینی انسان را با توجه به ابعاد تأثیرگذاری شیطان در آنها، یعنی بعد شناختی و عاطفی باید تحلیل کرد؛ چراکه شیطان یا در شناخت‌های انسان مداخله می‌کند و یا در امیال انسان. این دو بعد، ابعاد اصلی روح انسان را تشکیل می‌دهند (مصباح، ۱۳۸۶، ص ۲۴۲) و نقش اساسی در صدور فعل اختیاری دارند. هر عمل اختیاری که از انسان سر می‌زند، مبتنی بر سه امر: شناخت، میل و انگیزه، و قدرت است (مصباح، ۱۳۹۱، ج ۲، ص ۳۲؛ فقیهی، ۱۳۹۳، ص ۱۰۷). عمل انسان از هر نوعی که باشد از علم و شناخت نشات می‌گیرد. به علاوه هر عملی ملازم به علمی است که با آن عمل مناسبت داشته باشد و بر آن دلالت کند؛ بنابراین علم در عمل اثرگذار است (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۹۹). مؤلفه عاطفه و میل نیز جایگاه مهمی در این فرایند دارد، به گونه‌ای که برخی اندیشمندان معتقدند امیال و عواطف در ادراکات انسان تأثیر دارند. وجود و عدم توجه در بسیاری از اوقات، بستگی به میل و علاقه باطنی انسان دارد (مصباح، ۱۳۸۶، ص ۱۰۹-۱۱۰). بنابراین، احساسات انسان می‌تواند بر جهت‌گیری شناختی انسان نیز تأثیر بگذارند. از این رو، بعد شناختی و عاطفی در تعامل با هم رفتارهای

انسان و در نتیجه شخصیت انسان را شکل می‌دهند.

بنابراین، کار شیطان مستقل از مبادی صدور فعل اختیاری انسان نیست و شیطان از راه مداخله در این مبادی (شناخت‌ها و میل‌ها) فرایند ایجاد مانع در تربیت انسان را مدیریت می‌کند. در نتیجه در تحلیل نهایی این قسمت می‌توان این‌گونه بیان داشت: شیطان دو نوع تأثیر عمده در انسان ایجاد می‌کند، به طوری که هر آنچه از آیات قرآن در این باره رسیده است را می‌توان مصادیق این دو نوع دانست: اول: تأثیرگذاری در بینش‌ها و شناخت‌های انسان؛ دوم: تأثیرگذاری در امیال و عواطف انسان.

## ۵. حدود تأثیرگذاری شیطان

اصل تأثیرگذاری شیطان در تربیت و در دو بعد اصیل روح انسان با بررسی آیات قرآن به اثبات رسید. اما هنوز حدود این تأثیرگذاری مشخص نشده است. تحلیلی که در قسمت قبل، از آیات قرآن ارائه شد، متوهم این معناست که شکل‌دهی و ایجاد شناخت‌ها و برانگیختن میل‌ها توسط شیطان، زیربنای شکل‌دهی رفتارهای انسان است؛ چراکه رفتارهای انسان بر این شناخت‌ها و میل‌های انسان است. بنابراین جایی برای فرار از مداخله شیطان وجود ندارد، و رفتار انسان برخاسته از القائات شیطان است. در ارزیابی این نکته می‌توان این‌گونه بیان داشت که: این مسئله با تبیین مبادی صدور فعل اختیاری در تضاد است. برانگیخته شدن میل‌ها و یا شناخت‌ها زمینه‌ساز اراده و اختیار انسان است؛ نه اینکه تصمیم بر کار نتیجه جبری برانگیخته شدن میل‌ها باشد (ر.ک: مصباح، ۱۳۹۲، ص ۱۷۷). به همین جهت در بسیاری از موارد، انسان بر سر دو راهی انجام یا ترک یک عمل قرار می‌گیرد، و برای انجام یا ترک آن جوانب مختلف را بررسی می‌کند. به علاوه آیاتی در قرآن هست که بیانگر تأثیر حتمی اختیار و اراده انسان در تربیت است. چنان‌که از این آیات استفاده می‌شود، اراده و اختیار، فوق همه عوامل تربیتی است؛ به طوری که نقش مدیریت و جهت‌دهی همه آنها را بر عهده دارد. از جمله در آیه ۳ سوره مبارکه «انسان» می‌فرماید: «إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا»؛ ما راه را به او نشان دادیم، خواه شاکر باشد (و پذیرا گردد)، یا ناسپاس. از این آیه استفاده می‌شود که عامل تعیین‌کننده در تربیت و شکل‌گیری شخصیت، خود شخص است و تأثیر عوامل دیگر محدود می‌باشد. همچنین از این آیه می‌توان استفاده کرد که، خلقت انسان به گونه‌ای است که خود، تعیین‌کننده مسیر است و نقش انسان در این راه (هدایت و ضلالت) آگاهانه



سَمِيعاً بَصِيرًا» (دهر: ۲)؛ ما انسان را از نطفه آمیخته‌ای آفریدیم و او را می‌آزماییم. (بدین جهت) او را شنوا و بینا قرار دادیم.

امیرمؤمنان علیؓ در خطبه دوم **نهج‌البلاغه** علت گمراهی افراد را نه شیطان، بلکه اطاعت از راه‌هایی می‌داند که شیطان پیش پای آنها گذاشته است: «أَطَاعُوا الشَّيْطَانَ فَسَلَكُوا مَسَالِكَهُ وَوَرَدُوا مَنَاهِلَهُ» (نهج‌البلاغه، ۱۴۱۴ق، خطبه ۲)؛ شیطان را فرمان برده، راه‌های او را پیموده و به آبشخورهای او وارد شده بودند. وقتی انسان وسوس شیطان را پذیرفت و براساس آن اقدام و عمل کرد، به تدریج قلبش منزل شیطان می‌شود. در این صورت است که شیطان بر او مسلط می‌شود و مشمول آیاتی از قرآن که سخن از ولایت شیطان دارند، می‌گردد: «فَاتَّخَذُونَهُ وُدًّا بِرَبِّهِ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَأَسْتَجَابُوا لَهُمْ وَاسْتَجَابَ لَهُمْ فَاتَّخَذُوا الشَّيْطَانَ وَلِيًّا مِنْ دُونِ اللَّهِ فَقَدْ خَسِرَ خُسْرَانًا مُبِينًا» (نساء: ۱۱۹). بنابراین نقش شیطان، ایجاد زمینه در رفتار و عمل انسان از طریق شناخت‌ها و عواطف است؛ یعنی میل و یا شناختی که جنبه منفی دارد را به شیوه‌های مختلف تقویت و تشدید می‌کند و یا شناخت‌ها و امیال الهی را به نحوی تضعیف می‌کند. پس می‌توان ادعا کرد که عملکرد شیطان مستقل از اراده انسان نیست؛ یعنی استقلال عملی در تأثیرگذاری ندارد (مصباح، ۱۳۹۱ب، ج ۱، ص ۲۰۹). ولی در ایجاد زمینه‌های تربیتی منفی و از بین بردن زمینه‌های تربیتی مثبت، تأثیرگذار است.

## ۶. راه‌های مقابله با مداخلات تربیتی شیطان

در برخی آیات قرآن کریم برای مقابله با مداخلات تربیتی شیطان دستورالعمل‌های کلی ارائه شده است، از جمله:

### ۶-۱. اخلاص

اخلاص از مقامات یقین‌پیشگان و منزلی از منازل دین و راه وصول به خداوند متعال است (نراقی، ۱۳۹۶، ج ۲، ص ۲۷۵). در قرآن کریم یکی از راه‌های درمان ماندن از وسوسه‌های شیطان اخلاص ذکر شده است: «لَا تُؤَيِّنْهُمْ أَجْمَعِينَ، إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمُ الْمُخْلَصِينَ» (حجر: ۳۹-۴۰)؛ همگی را گمراه خواهیم ساخت؛ مگر بندگان مخلصت را. «مُخْلَصِينَ» کسانی‌اند که پس از آنکه خود را برای خدا خالص کردند، خدا آنان را برای خود خالص می‌گرداند. آنان جز به خدا به چیز دیگری اشتغال ندارند؛ هرچه هم که شیطان کیدها و وسوسه‌های خود را در دل آنان بیفکند، همان وسوس سبب یاد خدا می‌شوند، و

است. در آیه ۶۰ سوره «یس» نیز چنین آمده است: «أَلَمْ أَعْهَدْ إِلَيْكُمْ يَا بَنِي آدَمَ أَنْ لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ؛ آیا با شما عهد نکردم، ای فرزندان آدم که شیطان را نپرستید، که او برای شما دشمن آشکاری است. در آیه دیگری - که ارتباط مستقیم با تحلیل نهایی ما در تبیین حدود مانعیت شیطان در تربیت دینی دارد - خداوند متعال صحنه‌ای از عالم آخرت را ترسیم می‌کند که در آن مجرمان لب به شکوه می‌گشایند و شیطان را مسئول گمراهی خود می‌دانند، ولی شیطان در جواب می‌گوید مسئول گمراهی‌تان خودتان هستید؛ چراکه به اختیار خود دنباله‌روی من گشتید و من هیچ‌گونه تسلطی بر شما نداشتیم، بنابراین باید خودتان را ملامت کنید: «وَقَالَ الشَّيْطَانُ لَمَّا قُضِيَ الْأَمْرُ إِنَّ اللَّهَ وَعَدَكُمْ وَعَدَ الْحَقُّ وَوَعَدْتُكُمْ فَأَخْلَفْتُكُمْ وَمَا كَانَ لِي عَلَيْكُمْ مِنْ سُلْطَانٍ إِلَّا أَنْ دَعَوْتُكُمْ فَاسْتَجَبْتُمْ لِي فَلَا تَلُمُونِي وَلَوْلَا أَنْفُسُكُمْ مَا آنا بِمُصْرِخِكُمْ وَمَا أَنْتُمْ بِمُصْرِخِي إِنْ كَفَرْتُمْ بِمَا أَشْرَكْتُمُونِ مِنْ قَبْلُ إِنْ الظَّالِمِينَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ» (ابراهیم: ۲۲)؛ و شیطان، هنگامی که کار تمام می‌شود، می‌گوید:

خداوند به شما وعده حق داد؛ و من به شما وعده (باطل) دادم، و تخلف کردم! من بر شما تسلطی نداشتیم، جز اینکه دعوتتان کردم و شما دعوت مرا پذیرفتید، بنابراین مرا سرزنش نکنید، خود را سرزنش کنید؛ نه من فریادرس شما هستم، و نه شما فریادرس من؛ من نسبت به شرک شما درباره خود، که از قبل داشتید، (و اطاعت مرا هم‌ردیف اطاعت خدا قرار دادید) بیزار و کافرم، مسلماً ستمکاران عذاب دردناکی دارند. از این آیه خصوصاً تعبیر «مَا كَانَ لِي عَلَيْكُمْ مِنْ سُلْطَانٍ إِلَّا أَنْ دَعَوْتُكُمْ»، به‌خوبی می‌توان به این نکته رسید که شیطان، تأثیر مهم و حتمی در تربیت انسان ندارد. علت آن نیز قدرت اراده و اختیاری است که خداوند در نهاد انسان قرار داده است؛ چراکه انسان به اراده و اختیار خود، راه را برمی‌گزیند و خداوند هم در همان راهی که انسان برای خود انتخاب کرده، او را یاری می‌رساند. به تعبیر قرآن: «كُلًّا نُمِدُّ هُوَآءًا وَهَوَآءًا مِنْ عَطَاءِ رَبِّكَ وَمَا كَانَ عَطَاءُ رَبِّكَ مَحْظُورًا» (اسراء: ۲۰). این آیه مؤید این نکته نیز هست که در عین اینکه انسان رابطه با محیط و اجتماع دارد، می‌تواند در برابر محیط و محدودیت‌های آن طغیان کند و خود را از قید همه عوامل تربیتی رها کند و مسیری آزادانه و آگاهانه برای رشد خود برگزیند (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۱۳، ص ۹۱). آیاتی که در زمینه ابتلا و آزمایش انسان وارد شده، نیز دلالت بر اختیار و نقش انسان در تربیت خویش دارند: «أَنَا خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ نُطْفَةٍ أَمْشَاجٍ نَبْتَلِيهِ فَجَعَلْنَاهُ

که اینها ثمرهٔ مداخله شیطان است، بنابراین شایسته است پرهیز شود: «إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمْ عَدُوٌّ فَاتَّخِذُوهُ عَدُوًّا إِنَّمَا يَدْعُو حِزْبَهُ لِيَكُونُوا مِنْ أَصْحَابِ السَّعِيرِ» (فاطر: ۶)؛ البته شیطان دشمن شماست، پس او را دشمن بدانید؛ او فقط حزیش را به این دعوت می‌کند که اهل آتش سوزان (جهنم) باشند. قرآن کریم هشدار می‌دهد عدم اتخاذ شیطان به‌عنوان دشمن، آتش جهنم را در پی خواهد داشت.

### نتیجه‌گیری

عوامل و موانع متعددی در تربیت دینی مداخله می‌کنند. این امور از حیث دامنه اثرگذاری تربیتی و آثاری که در فرایند تربیت برجای می‌گذارند، متفاوت هستند. شناخت حدود تأثیر این عوامل و موانع جهت تحقق اهداف تربیتی و ساماندهی فرایند تربیت و کاربست روش‌های تربیتی توسط مربی، حائز اهمیت است. بدین جهت، در این پژوهش بررسی حدود مانعیت یکی از این موانع تربیت دینی، یعنی شیطان از منظر قرآن مدنظر قرار گرفت. این بررسی نشان داد شیطان به شیوه‌های مختلفی در تربیت دینی انسان مداخله می‌کند، از جمله سبب ایجاد دشمنی: ایجاد ترس، تزیین گناهان، فراموشی یاد خدا و برانگیختن آرزوهای طولانی در انسان می‌شود و در نتیجه موجب گمراهی، شرک به خدا، هوسرانی و آلودگی به گناه می‌شود. تحلیل روان‌شناختی آیاتی که سخن از مداخله تربیتی شیطان به میان آورده‌اند نشان می‌دهد شیطان برای ایجاد چنین آثار سوء تربیتی از طریق ساحات اصیل وجود انسان، یعنی بیعتش و گرایش وارد می‌شود. بدین طریق شیطان از راه مداخله در شناخت‌های انسان و تضعیف شناخت‌های برانگیزاننده مثبت و تشدید شناخت‌های برانگیزاننده منفی، در تربیت انسان مداخله می‌کند. همچنین در ساحت گرایشی نیز سبب تشدید گرایشات سوء و تضعیف گرایشات نیک در انسان می‌شود، و بدین طریق فرایند تربیت انسان را به سمت اهداف نامطلوب جهت می‌دهد. برای رهایی از چنین مداخلاتی ابتدا باید دشمنی شیطان پذیرفته شود و سپس با استفاده از روش‌هایی مانند یاد خدا، استعاذه، توکل و اخلاص از آثار سوء تربیتی آن جلوگیری به‌عمل آید.

همان‌ها که دیگران را از خدا دور می‌سازد، ایشان را به خدا نزدیک می‌کند» (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۱۲، ص ۲۴۳).

### ۲-۶. توکل

توکل اعتماد قلبی به خدا در همهٔ امور است. به‌عبارت دیگر، حواله کردن همه کارها بر خداست (نراقی، ۱۳۹۶، ج ۲، ص ۵۳۲). در قرآن توکل از صفات مؤمنان دانسته شده (آل عمران: ۱۲۲) و متوکلان مورد محبت خدا قرار دارند (آل عمران: ۱۵۹). همچنین راه درمان ماندن از شر اغواگری شیطان توکل دانسته شده است: «إِنَّهُ لَيْسَ لَهُ سُلْطَانٌ عَلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَعَلَى رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ» (نحل: ۹۹)؛ شیطان، بر کسانی که به‌خدا ایمان دارند و بر پروردگارشان توکل می‌کنند، تسلطی ندارد. یعنی نمی‌تواند آنها را بر کفر و معصیت، مجبور کند. برخی نیز گفته‌اند: یعنی نسبت به معصیت‌هایی که مردم را به آنها دعوت می‌کند، دلیلی ندارد (طبرسی، ۱۳۶۰، ج ۱۴، ص ۴۹).

### ۳-۶. یاد خدا و استعاذه

یاد خدا از جمله راه‌های حفظ از حيله‌های شیطان است: «إِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا إِذَا مَسَّهُمْ طَائِفٌ مِنَ الشَّيْطَانِ تَذَكَّرُوا» (اعراف: ۲۰۱)؛ پرهیزگاران هنگامی که گرفتار وسوسه‌های شیطان شوند، به یاد خدا و پاداش و کیفر او می‌افتند؛ و (در پرتو یاد او، راه حق را می‌بینند و) ناگهان بینا می‌گردند. قرآن می‌فرماید: در هنگام وسوسه شیطان به خدا پناه ببرید؛ چراکه این شیوه، شیوه انسان‌های باتقوا و پرهیزگار است. در برخی آیات نیز با تعبیر استعاذه، این توصیه بیان شده است: «وَإِذَا يَنْزَعْنَاكَ مِنَ الشَّيْطَانِ نَزْعٌ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ» (فصلت: ۳۶). استعاذه به معنای پناه بردن است (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۱۷، ص ۵۹۶). می‌فرماید وقتی شیطان وسوسه کرد برای درمان ماندن از شر وسوس او به خدا پناه ببرید؛ چراکه خدا آگاه به حال شماست و وقتی مورد استعانت قرار گرفت، دستگیری از بندگانش خواهد کرد.

### ۴-۶. یقین به دشمنی شیطان

اولین گام در مبارزه با شیطان، تصدیق این مسئله است که شیطان را دشمنی بدانند که درصدد گمراه کردن است. در این‌صورت همواره مواظب وسوسه‌های او خواهند بود و آنجا که گناه در نظر انسان زینت داده شد و یا میان برادران مؤمن اختلاف ایجاد شد، باید تصدیق کرد

.....منابع

- تهران، کتابفروشی مرتضوی.
- طیب، سید عبدالحسین، ۱۳۷۸، *أطیب البیان فی تفسیر القرآن*، چ دوم، تهران، اسلام.
- عالمزاده نوری، محمد، ۱۳۹۶، *راهبرد تربیت اخلاقی در قرآن کریم*، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- عاملی، ابراهیم، ۱۳۶۰، *تفسیر عاملی*، تحقیق علی‌اکبر غفاری، تهران، صدوق.
- فراهیدی، خلیل بن احمد، ۱۴۰۸ق، *العین*، بیروت، مؤسسه الاعلمی.
- فضل‌الله، سیدمحمدحسین، ۱۴۱۹ق، *تفسیر من وحی القرآن*، چ دوم، بیروت، دارالماکک للطباعة والنشر.
- فقیهی، سیداحمد، ۱۳۹۳، *روش‌های تربیت اخلاقی در المیزان*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- ماهرزاده، طیب، ۱۳۹۲، «جهانی‌شدن و هویت‌یابی دینی نوجوانان»، *تربیت اسلامی*، ش ۸ (۱۶)، ص ۱۳۹-۱۶۲.
- مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۴ق، *بحار الانوار*، بیروت، مؤسسه الوفاء.
- مصباح، محمدتقی، ۱۳۹۰، *بهترین‌ها و بدترین‌ها از دیدگاه نهج‌البلاغه*، چ سوم، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- \_\_\_\_\_، ۱۳۹۱الف، *به سوی او*، چ چهارم، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- \_\_\_\_\_، ۱۳۹۱ب، *اخلاق در قرآن*، چ پنجم، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- \_\_\_\_\_، ۱۳۹۲، *آموزش عقاید*، چ هشتم، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- مصطفوی، حسن، ۱۴۱۶ق، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- معین، محمد، ۱۳۸۷، *فرهنگ فارسی*، تهران، دبیر.
- مکارم شیرازی، ناصر و دیگران، ۱۳۷۴، *تفسیر نمونه*، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- نراقی، مهدی بن ابی‌ذر، ۱۳۹۶، *جامع السعادات*، ترجمه کریم فیضی، چ ششم، قم، قائم آل‌علی.
- نهج‌البلاغه، ۱۴۱۴ق، تصحیح صبحی صالح، قم، هجرت.
- ابن منظور، محمدبن مکرّم، ۱۴۰۸ق، *لسان‌العرب*، بیروت، داراحیاء التراث العربی.
- احسانی، محمد، ۱۳۷۸، «تربیت دینی خانواده»، *معرفت*، ش ۳۲، ص ۲۵-۳۴.
- انیس، ابراهیم و همکاران، ۱۳۸۷، *المعجم الوسیط*، تهران، اسلامی.
- باقری، خسرو، ۱۳۸۹، *نگاهی دوباره به تربیت اسلامی*، ج ۱، چ بیست و یکم، تهران، مدرسه.
- بهشتی، سعید، ۱۳۸۹، *تأملات فلسفی در تعلیم و تربیت*، تهران، بین‌الملل.
- بهشتی، محمد، ۱۳۸۷، *مبانی تربیت در قرآن*، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- جعفری، محمدتقی، ۱۳۹۰، *ارکان تعلیم و تربیت*، چ سوم، تهران، مؤسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری.
- جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۱، *فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی*، زیر نظر محمدتقی مصباح، چ دوم، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۶، *تسنیم*، تنظیم حسن واعظی محمدی، چ دوم، قم، اسراء.
- \_\_\_\_\_، ۱۳۸۷، *تسنیم*، تنظیم احمد قدسی، چ چهارم، قم، اسراء.
- جوهری، اسماعیل بن حماد، ۱۴۰۴ق، *الصحاح تاج اللغة وصحاح العربیة*، بیروت، دارالعلم.
- داوودی، محمد، ۱۳۸۶، *تربیت دینی*، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- دهخدا، علی‌اکبر، ۱۳۷۷، *لغت نامه دهخدا*، چ دوم، تهران، دانشگاه تهران.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۱۶ق، *معجم مفردات الفاظ قرآن*، تهران، المكتبة المرتضویة.
- زارع، حسین و مصطفی سلیمانیان، ۱۳۹۴، «بررسی فلسفه وجودی شیطان»، *تحقیقات کلامی*، ش ۱۱، ص ۱۰۳-۱۲۲.
- زبیدی، محمدبن محمد، ۱۴۱۴ق، *تاج العروس*، بیروت، دارالفکر.
- شکر، عبدالعلی، ۱۳۹۳، «وسوسه شیطان و راهکارهای مقابله با آن از منظر قرآن»، *پژوهش‌نامه معارف قرآن*، ش ۱۸، ص ۶۳-۸۹.
- شیرافکن، محمدحسین و علیرضا قائمی‌نیا، ۱۳۹۵، «تحلیل فضاهای ذهنی گفتمان شیطان در قرآن»، *پژوهش‌های میان رشته‌ای قرآن کریم*، ش ۲، ص ۶۳-۷۸.
- صادق‌زاده قمصری، علیرضا، ۱۳۸۰، «راهنمای برنامه درسی تعلیمات دینی دوره دبیرستان و پیش‌دانشگاهی در بوتّه نقد» در: *مجموعه مقالات تربیت اسلامی*، کتاب ششم، تهران، مرکز مطالعات اسلامی.
- طباطبائی، سیدمحمدحسین، ۱۳۷۴، *المیزان فی تفسیر القرآن*، ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی، چ پنجم، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- \_\_\_\_\_، ۱۳۸۹، *المیزان فی تفسیر القرآن*، ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی، چ بیست و نهم، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۶۰، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، ترجمه جمعی از مترجمان، تهران، فراهانی.
- طریحی، فخرالدین، ۱۳۷۵، *مجمع البحرین*، تحقیق سیداحمد حسینی، چ سوم،